

«أَنزَلْنَا أُرْسُلْنَا بِالنَّبِيِّينَ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^(۱) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

مطابق این آیه کریمه، در اسلام تحقق عدالت از اهداف مهم و اجتناب ناپذیر حکومت نبوی و به طور اساسی بعثت پیامبر(ص) است. ضرورت پرداختن به این مسئله از آن جهت است که بدون شک امروز نه تنها جامعه ما که جهان بشریت دست به گریبان پدیده زشتی به نام بی‌عدالتی و تبعیض است به طوری که حتی جوامع توسعه یافته نیز با وجود درآمدهای فراوان از بی‌عدالتی در توزیع آنها رنج می‌برند. برای مثال، در آمریکا در سال ۱۹۷۳ سهم یک پنجم خانواده‌های پایین جدول درآمدی، ۵/۵ درصد کل درآمد و سهم یک پنجم بالای جدول، ۴۱/۱ درصد کل درآمد بود و در سال ۱۹۹۱ سهم یک پنجم نخست به ۴/۵ و یک پنجم دوم به ۴۴/۲ رسید و این روند با مختصر تغییراتی ادامه دارد^(۲)؛ یعنی هرچه، زمان پیش می‌رود توزیع درآمدها نامتوازن‌تر می‌شود. یا طبق آمار دیگری گرچه بین سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۹۴ میزان سرانه تولید ناخالص ملی آمریکا به صورت واقعی بیش از یک سوم افزایش یافته لکن متوسط دستمزدهای ناخالص برای همه شاغلینی که در پست‌های مدیریت نبودند، یعنی برای سه چهارم نیروی کار، ۱۹ درصد کاهش یافته است.^(۳) و طبق آمار منتشره، بین ۱۰-۱۵ درصد جمعیت آمریکا (در حدود ۳۷ میلیون نفر) زیر خط فقر قرار دارند^(۴) و کشورهای دیگر نیز بعید به نظر می‌رسد که بهتر از این باشند. این در حالی است که به

میزان عدالت

اعتقاد نظریه پردازان توسعه، عامل عمده این شکاف طبقاتی، فقر و بی‌عدالتی ناشی از ظالمانه بودن مناسبات و روابط فیمابین عوامل اقتصادی به ویژه کار و سرمایه است. برای مثال، اقتصاددانانی چون مایکل تودارو^(۵) دیوید کلمن، فورد نیکسون^(۶) و نوبل حیدر نقوی^(۷)، توزیع ناعادلانه ثروت‌هایی مانند زمین، سرمایه مالی، ابزار تولید و وجود آزادی‌های نابرابر را عامل اصلی ناعادلانه شدن درآمدها می‌دانند و این در حالی است که نظام اجتماعی اسلام، در عین حال که از تمام ظرفیت‌های وجودی

انسان‌ها و طبیعت برای رشد و شکوفایی مظاهر مادی استفاده می‌کند، با نهادینه کردن باورهای الهی و ارزش‌های انسانی و با اتخاذ روش‌ها و قوانین خاص، زمینه‌های شکاف طبقاتی و بهره‌کشی از انسان را از بین برده، و در عین حال رفاه عمومی را گسترش می‌دهد.^(۸)

■ چپستی عدالت

اسلام از یک سوبه همه افراد جامعه حق می‌دهد که از امکانات اجتماعی استفاده کنند و از سوی دیگر، به دنبال متوازن کردن





اجتماعی

مرکز فرهنگ و معارف قرآن

امکانات و فرصت‌ها برای همه است و به وجود آمدن فاصله طبقاتی و تبعیضات اجتماعی را نتیجه عدم تحقق عدالت و ممنوع می‌داند. رضایت عمومی نیز از دیدگاه اسلام زمانی حاصل می‌شود که امکانات موجود هر آنچه که هست میان همگان به طور مساوی تقسیم گردد. بد عبارتی ممکن است برای همگان غنا حاصل نباید اما استغنا حالتی است که به احساس درونی انسانها مربوط می‌شود. چنانکه امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «اگر در میان مردمان به عدالت رفتار شود

همه احساس بی‌نیازی می‌کنند»^(۹)

اما اینکه عدالت چیست و معیار آن کدام است مطلبی است که برای پاسخ به آن به سخن، حکیم بوعلی سینا مراجعه می‌کنیم که می‌گوید: «انسان دارای زندگی اجتماعی است و از وضع قوانینی که بتواند زندگی اجتماعی و بلکه فردی‌اش را بر اساس عدالت سامان دهد و او را به سعادت شایسته خود برساند، ناتوان است. پس بر خداوند لازم است که به مقتضای حکمتش انسان را در این زمینه هدایت کند»^(۱۱) از این رو عدالت امری نسبی نبوده و متعین است و برای شناخت معیار آن باید به وحی مراجعه کرد.

نکته دیگر این که در مکتب اسلام عدالت، توزیع مساوی فقر نبوده نظام عدالت محور اسلام از مبنای سامان جامعه که بی‌نیازی و استکمال مادی نیز هست غفلت نموده و به طور کلی نزد شرایع و حاملان آنها منفورترین پدیده‌ها فقر است، تا جایی که پیامبر اکرم (ص) در موارد زیادی فقر و تنگدستی را همسان کفر دانسته و از آن دو به خداوند پناه می‌برد.^(۱۱) و در روایتی فقر مادی را با فقر فرهنگی پیوند داده بیان می‌دارد: «اگر رحمت و شفقت پروردگار شامل فقرای امت نبود چیزی نمانده بود که فقر موجب کفر شود»^(۱۲)

و در دعای دیگری فرمودند: «اللهم بارک لنا فی الخبز و لا تفرق بیننا و بینة، فلو لا الخبز ما صلینا و لا صمنا و لا اذینا فرائض ربنا؛ یعنی خداوند، نان را برای ما بابرکت قرار ده، و میان ما و نان جدایی مینداز که اگر نان نباشد نه می‌توانیم نماز گزاریم نه روزه بداریم و نه دیگر واجبات الهی را انجام دهیم»

اصولاً به بیان قرآن، فقر و فحشا وعده شیطان، و فضل و فقرت وعده خداوند است.^(۱۳) و پیامبر مکرم اسلام (ص) از حضرت ابراهیم خلیل (ع) چنین نقل می‌کند: «پرووردگار، فقر از آتش نمرود سخت‌تر است»^(۱۴) یا خرید آن حضرت می‌گفتند: «فقر سخت‌تر از مرگ است»^(۱۵)

بنابراین پیامبران الهی اگرچه جهت نسکین آلام و کاهش پریشانی درماندگان و تهیدستان، با آنان بنای رفاقت می‌گذاشتند و زندگی شخصی خود را در سطح فقرانه قرار

می‌دادند، لکن در صدد بوده‌اند با فکر و تدبیر، فقر را محو و زندگی شرافتمندانه‌ای را برای همه انسانها تدارک نمایند.

■ ریشه بی‌عدالتی

نکته دیگر آنکه اساساً از دیدگاه اسلام تفکر فقر جبری طبیعت باطل بوده، ریشه همه بدبختی‌ها نه در کمبود امکانات طبیعت بلکه در اعمال ظالمانه انسان‌ها است. چرا که خداوند روزی هر جنبنده‌ای را فراهم می‌کند: «وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین»^(۱۶) هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست. او قرارگاه و محل رفت و آمدش را می‌دند، همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است»

بنابراین اگر بخشی از جامعه در فقر به سر می‌برند نتیجه اعمال ناشایست خود انسان‌هاست: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ ایدی التّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^(۱۷) فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنها بچشاند شاید (به سوی حق) بازگردند»

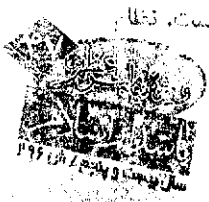
و بر همین اساس امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: «هیچ فقیری گرسنه نماند مگر آن که توانگری از دادن حق او سمانت کرد»^(۱۸) و فرمود: «همانا مردم جز در اثر گناه ثروتمندان، فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نمی‌شوند»^(۱۹)

بنابراین اگر فرهنگ کار و تلاش در میان مردم گسترده شود بر اساس تعالیم اسلام، سنت خداوند بر آن است که انسان‌ها با کار و تلاش روزی خود را به دست آورند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ ذَلُولًا فَامشوا فی مَناکِبِها و کُلوا مِن رِزْقِها»^(۲۰) خداوند کسی است که زمین را برای شما رام کرده، پس در اطراف آن حرکت کنید و از روزی‌های خداوند بخورید»

■ راهکار عدالت‌گسترده

مهم‌ترین عامل فقر و بدبختی گروهی از انسان‌ها و به وجود آمدن تضاد طبقاتی، ساختار ناسانم نظام اقتصادی - اکم به جرمع و وجود روابط ظالمانه بین افراد است. نظام

۲۵۸۴



اجتهاد علمی و اقتصادی اسلام و مکتب نبوی با عنایت به این امر و با توجه به آثار سوء تمرکز ثروت در دست اغنیاء، ساختار ویژه‌ای در مسئله مالکیت تدبیر کرده و ضوابطی را برای آن قرار داده است تا عدالت اقتصادی در جامعه تأمین گردد.

به عنوان مثال بخش زیادی از اموال ثروت‌های طبیعی چون دریاها، رودخانه‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها، دشت و بیابان‌ها، معادن، حیوانات بیابانی، ماهی‌های دریاها و رودخانه، درختان جنگلی، علف‌های بیابان و... را از دایره مالکیت خصوصی خارج کرده و همه افراد را با رعایت مصالح اجتماعی که دولت اسلامی تشخیص می‌دهد، در استفاده و بهره‌برداری از آن‌ها یکسان دانسته است. بر این اساس در قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) مأمور می‌شوند غنایم و ثروت‌های عمومی را بین همه توزیع کنند تا ثروت در دست اغنیاء متمرکز نشود: «مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (۳۱) آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، برای خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان است تا ثروت در میان ثروتمندان دست به دست نگردد.»

از سوی دیگر تحقق مالکیت خصوصی را براساس کار مفید و مشروع می‌داند و ثروت‌های بادآورده در اسلام مورد مذمت قرار گرفته است. که احیاء موات از آن جمله است.

و از دیگر سوی نظام اقتصادی اسلام با توجه به خصلت حب نفس و زیاده‌طلبی انسان، و با توجه به قانون کلی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» برای حفظ و دفاع از منافع جامعه، با پذیرش اصل بازار آزاد و آزادی فعالیت‌های اقتصادی، حدود و مقرراتی را برای آن در نظر گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- منع اجحاف و خیانتگری

قرآن کریم در خصوص کم‌فروشی یا لحن بسیار شدیدی می‌فرماید: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ

يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوا لَهُمْ أَوْ رَازُواهُمْ يُعْتَسِرُونَ * أَلَا يَدْرَأُونَ لَوْ لَشَكَ اللَّهُمْ بَبْهَوَاتُون * لَيُكْرَمَ عَظِيم * يَوْمَ يَقُومُ اللَّهُ اش لِرَازِي الْعَالَمِينَ» (۳۲) وای بر کم‌فروشان که چون از مردم بی‌مانه ستانند تمام ستانند و چون برای آنان پیمان یا وزن کنند به ایشان کم دهند مگر آنان گمان نمی‌کنند که برانگیخته خواهند شد در روزی بزرگ، روزی که مردم در برابر پروردگار پنهانان به پای ایستند؟

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «تاجران خفائن بدترین مردم‌اند» (۳۳)

امیرمؤمنان امام علی (ع) برای فرماندار خویش، مالک اشتر، می‌نویسند: «ولیکن البیع بیعا سمحا، بموازين عدل و اسعار لا تجحف بالفريقين من البایع و المبتاع» (۳۴) معاملات بایستی آسان، با ترازوهایی صحیح و با قیمت‌هایی که به هیچ یک از طرفین (فروشنده و خریدار) ستم نرود، صورت گیرد.»

در خصوص نظارت دولت اسلامی بر قیمت‌های بازار از امام صادق (ع) نقل شده است: «امیرالمؤمنین (ع) هیچ‌گاه بر کالای کسی قیمت‌گذاری نکرد ولی هر کس که در معامله مردم کم می‌گذاشت، به او گفته می‌شد همان‌طور که مردم می‌فروشند بفروش وگرنه از بازار خارج شو، مگر در مواردی که کالای وی بهتر از دیگران بود» (۳۵)

۲- جلوگیری از انحصار

به طور کلی باید گفت سیاست اقتصادی و اجتماعی اسلام بر اساس نفی انحصار شکل گرفته است که در قرآن کریم فرمود: «كَيْ لَا يَكُونَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (۳۶) که بر مبنای آن هدف مهم سیاست‌های اقتصادی اسلام بر اساس نفی انحصار در گردش ثروت شکل گرفته است.

امام علی (ع) در این باره به فرماندار خود می‌فرماید: «در چیزهایی که مردم در آن‌ها برابری از ویژه‌سازی و انحصارطلبی پرهیز کن». سپس حضرت در مورد اطرافیان فرصت‌طلب زمامداران می‌نویسد: «بدان برای زمامدار خاصان و صاحبان اسراری است که انحصارطلب و دست‌درازد، در داد و ستد با مردم عدالت و انصاف را رعایت نمی‌کنند، ریشه ستم آنان را با قطع وسایل آن از بیخ بر کن، به

هیچ یکی از اطرافیان و بستگان خود زمین را اراضی مسلمانان و ائمه مکن، باید طمع نکنند، قراردادی به سود آنان منعقد نسازی که سایه ضرر به سایر مردم باشد، خواه در آبشارسانی یا هر عمل مشترک دیگری، به طوری که هزینه‌های آن را بر درستی دیگران تحمیل کند» (۳۷)

۳- حمایت از طبقه کارگر

در اسلام غصب دستمزد کارگران یا کم‌دادن آن در ردیف گناهانی چون اختراع دین و انسان‌فروشی قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خداوند هر گناهی را می‌آورد مگر این که کسی دینی بسازد، یا مزد کارگری را غصب کند یا شخص آزادی را به بردگی فروشد» (۳۸)

در روایت دیگری می‌فرماید: «ای مردم، هر کس مزد کارگری را کم بدهد بایستی جایگاه خود را در آتش جهنم آماده بیند» (۳۹)

و در کلام دیگر خطاب به امام علی (ع) فرمود: «یا علی، مبادا با حضور تو بر کشاورزان ستم رود» (۴۰)

۲۵۸۵



در راستای شکل‌گیری نظام سالم اقتصادی و به جهت تأکید بر نظام تولید محور که بر کار و تلاش تأکید دارد نه ثروت‌اندوزی و استثمارگری، اسلام رابطه حقوقی قرض با بهره را ظالمانه و در ردیف بیکار با خدا و رسول دانسته، به شدت با آن مبارزه کرده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَقْلُوا فَأَذِّنُوا بِلحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (۳۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و آن چه از ربا باقی مانده، رها کنید، اگر ایمان دارید. اگر چنین نمی‌کنید اعلام جنگ با خدا و رسول بدهید، و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن شماسست نه ظلم می‌کنید و نه بر شما ظلم وارد می‌شود.»

در هر جامعه‌ای گروهی از انسان‌ها هستند که به دلیل نداشتن توان فعالیت اقتصادی یا نبودن زمینه فعالیت، قادر به تأمین نیازهای خود نیستند. افراد جامعه اسلامی نسبت به تأمین نیازهای حیاتی هم‌دیگر مسئولیت متقابل دارند که در حد سایر فریاض لازم‌الاجرا است و خداوند مؤمنان را در صورت کوتاهی در انجام آن تهدید می‌کند و می‌فرماید: «هَاتِثُمْ هُنَّ لِأَنَّ تَدْعُونَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالِكُمْ» (۳۲) شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، بعضی از شما بخل می‌ورزند، و هر کس بخل ورزد، به خود بخل کرده است و خداوند بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید، و هر گاه سرپیچی کنید خداوند گروه دیگری را جای شما می‌آورد پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندان در راه خدا انفاق می‌کنند).»

پیامبر اکرم(ص) نیز در این باره می‌فرماید: «کسی که شب سیر بخوابد در حالی که همسایه‌اش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است.» (۳۳)

در این راستا دولت اسلامی وظیفه دارد با استفاده از منابعی که در اختیار دارد، معیشت شهروندان جامعه اسلامی را در سطح مناسب تأمین نماید.

بسر این اساس پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «خدا را به یاد هر حاکم اسلامی پس از خود می‌آورم... مردمان را فقیر نکند (و به فقرشان رضایت ندهد) که در نتیجه کافرشان خواهد کرد.» (۳۴)

بسال نیز از طرف رسول خدا(ص) مأموریت داشت به وضعیت فقرا و بینوایان رسیدگی و آنان را تأمین کند. حتی او اجازه داشت در صورت نبودن امکانات مالی برای بیت‌المال، با قرض کردن مخرومان را تأمین نماید. (۳۵)

در سال پیامبر اعظم(ص) تدفیق تحقق اهداف اجتماعی آن حضرت در جامعه اسلامی ایران را از خدای متعال مستألت می‌نمایم.

۲۵۸۶

بی‌نوشت‌ها:

۱. حدید / ۲۵.
۲. والدین بیوه، پیروزی سپاه ترجمه احمد سیف و کاظم فرهادی (چاپ اول: تهران انتشارات نقش جهان، تهران، ۱۳۷۶) ص ۲۳۹.
۳. هانس - پتر مارتین، دام جهان‌گرایی، ترجمه عبدالحمید فریدی عراقی (فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۸) ص ۱۹۰.
۴. دیوید ماکارو، رفاه اجتماعی ساختار عملکرد، ص ۲۰۷.
۵. مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ص ۱۷۳.
۶. دیوید کلن و فورد نیکسون، اقتصادشناسی توسعه نیافتگی، ص ۱۲۱.
۷. نواب حیدر نقوی، اقتصاد توسعه یک الگوی جدید، ترجمه دکتر توانایان فرد، ص ۸۳.
۸. سید عباس موسویان، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴ - زمستان ۱۳۸۰.
۹. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۵۶۸.
۱۰. ابن سینا، الشفاء، الهیات (انتشارات پیدار) ص ۵۵۷.
۱۱. اللهم انی اعوذ بک من الکفر والفقیر، فقال رجل: ایعدلان؟ قال: نعم، (همان، ص ۲۳۲۸).
۱۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۳۸.
۱۳. الشیطان یدکم الفقر و یامرکم بالفحشاء والله یدکم مغفرة منه و فضلا والله واسع علیه، (بقره / ۲۶۸).
۱۴. محمد محمدی ری شهری، همان، ص ۳۴۴۲.
۱۵. همان، ص ۳۴۴۲.
۱۶. هود / ۶.
۱۷. روم / ۴۱.
۱۸. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۱۳۳۲.
۱۹. محمد رضا حکیمی، الحیة، ترجمه احمد آرام، ج ۳، ص ۴، ص ۳۳۹.
۲۰. ملک / ۱۵.
۲۱. حشر / ۷.
۲۲. مطفین / ۱ - ۶.
۲۳. محمد رضا حکیمی، همان، ج ۶ ص ۳۸۷.
۲۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۲۵. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۶.
۲۶. حشر / ۷.
۲۷. نهج البلاغه، نامه ۵۲.
۲۸. محمد رضا حکیمی، همان، ج ۴، ص ۴۵۶.
۲۹. محمد رضا حکیمی، همان، ج ۴، ص ۴۵۷.
۳۰. همان، ج ۲، ص ۲۴۷.
۳۱. بقره / ۲۷۸ - ۲۷۹.
۳۲. حدید / ۲۸.
۳۳. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۶۶۸.
۳۴. محمد رضا حکیمی، همان، ج ۴، ص ۴۱۲.
۳۵. سیاحتنامه صدر، اقتصاد صدر اسلام، ص ۷۷.

